

## کاربران خودشیفته در فضای مجازی: نقش تشخیصی سیستم‌های مغزی-رفتاری و عاطفه مثبت و منفی

مجتبی دهقان\*<sup>۱</sup>، مهناز شاهقلیان<sup>۲</sup> و محمدنقی

فرمهبینی فراهانی<sup>۳</sup>

### چکیده

هدف پژوهش حاضر تعیین نقش تشخیصی سیستم‌های مغزی-رفتاری و عواطف مثبت و منفی در تشخیص کاربران خودشیفته و عادی فضای مجازی بود. پژوهش حاضر طرح تابع تشخیص دو گروهی داشت. جامعه پژوهش شامل تمام کاربران شبکه‌های اجتماعی فعال در فضای مجازی در دامنه سنی ۱۸ تا ۳۰ سال و ساکن تهران بود. نمونه پژوهش شامل ۱۹۵ شرکت‌کننده بود که با روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی در محیط برنامه تلگرام انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از مقیاس تجربه مثبت و منفی، مقیاس شخصیت خودشیفته و مقیاس سیستم‌های بازداری/فعال‌ساز رفتاری استفاده شد. نتایج تحلیل تشخیص نشان داد که سیستم فعال‌ساز قوی‌ترین رابطه را با تابع حاضر داشت و توانست گروه خودشیفته را از گروه عادی متمایز کند. اما قدرت تمیزگری چهار متغیر دیگر (شامل عواطف منفی، سیستم بازداری، عواطف مثبت و تعادل عاطفه) ضعیف‌تر بود. بنابراین، به همراه سایر ویژگی‌های افراد خودشیفته، سنجش سطح فعالیت سیستم فعال‌ساز نیز می‌تواند برای تمیز افراد خودشیفته از افراد عادی استفاده شود.

**کلیدواژه:** خودشیفتگی، سیستم‌های مغزی-رفتاری، عواطف، فضای مجازی

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری روان‌شناسی سلامت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران  
Mojtaba\_dehqan@yahoo.com

۲. استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

۳. استاد گروه روان‌شناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

- این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی دانشگاه خوارزمی است.

تاریخ ارسال: ۱۳۹۵-۰۸-۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷-۰۸-۱۸

### مقدمه

افراد خودشیفته به گونه‌ای افراطی نیازمند تحسین و تأیید شدن و اطمینان‌یابی از سوی دیگران هستند (کسینان و وازسونی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶؛ عبدی و نصیری، ۲۰۱۵)، و فعالانه جویای موقعیت و روابطی برای ارضای این میل و نیازهای خود هستند. به همین دلیل، به نظر می‌رسد فضای مجازی می‌تواند محیطی مستعد برای دستیابی افراد خودشیفته به این‌گونه اهداف خود باشد. در واقع، امکان «ناشناس<sup>۲</sup>» ماندن، ارائه اطلاعاتی متفاوت از خود واقعی و آرمانی تر عرضه کردن خود در فضای مجازی (بائیان و مارکوس<sup>۳</sup>، ۲۰۱۲)، موجب سهولت دستیابی افراد خودشیفته اهداف مرتبط با تحسین شدن و تأییدطلبی در شبکه‌های اجتماعی فضای مجازی می‌شود (پانتیک، میلانویک، لوبادا، بلاچنیو<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۷). در نتیجه، حضور بسیار زیاد افراد خودشیفته در فضای اجتماعی را می‌توان انتظار داشت. به گونه‌ای که شواهد پژوهشی حاکی از آن است که خودشیفتگی (پانتیک و همکاران، ۲۰۱۷؛ کیم و جانگ<sup>۵</sup>، ۲۰۱۸) و به‌ویژه خودشیفتگی بزرگ‌منشانه (مک‌کین، بورگ، روتنبرگ، کاریلو<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۱۶) با تعدد به اشتراک گذاشتن عکس‌های سلفی در فضای مجازی و انگیزه خود-ارائه‌دهی<sup>۷</sup> در شبکه‌های اجتماعی فضای مجازی رابطه مثبت دارد. اما مسأله مهم این است که تنها بررسی رابطه خودشیفتگی با فعالیت در فضای مجازی کافی نیست، بلکه توانایی تمیز کاربران خودشیفته از کاربران عادی نیز امری ضروری است که برای دستیابی به این هدف، تعیین معیارهای تمیز و گروه‌بندی این دو گروه از کاربران فضای مجازی حائز اهمیت است. بر این اساس، با مرور ادبیات نظری و پژوهشی مربوط به خودشیفتگی و فضای مجازی، این فرض قابل طرح بود که میزان حساسیت سیستم‌های مغزی - رفتاری و سطح عواطف مثبت و منفی احتمالاً بتوانند عواملی مهم در گروه‌بندی افراد خودشیفته باشند.

در این راستا، یکی از نظریه‌های تبیین‌کننده الگوهای شخصیتی از جمله شخصیت

- 
1. Ksinan and Vazsonyi
  2. unidentified
  3. Baiyun and Marcus
  4. Pantic, Milanovic, Loboda and Błachnio
  5. Kim and Jang
  6. McCain, Borg, Rothenberg and Churillo
  7. self-presentation motivation

خودشیفته و مشخصه تکانشگری آن‌ها، مدل حساسیت به تقویت گری<sup>۱</sup> است (اسپنسر، فوستر و بیدول<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷)، که ممکن است در تمیز و گروه‌بندی دو گروه کاربران خودشیفته و عادی فضای مجازی نیز مؤثر باشد. این نظریه فرض می‌کند که افراد از نظر حساسیت به پاداش و تنبیه‌های محیطی از همدیگر متفاوت هستند و زیربنای این تفاوت‌ها سه سیستم فعال‌ساز رفتاری<sup>۳</sup>، بازداری رفتاری<sup>۴</sup> و جنگ - گریز - انجماد<sup>۵</sup> است (نرمن، جینن، آریگ، مایفلد<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۱۶). طبق این نظریه، سیستم‌های فعال‌ساز و بازداری به ترتیب با تکانشگری و اضطراب مرتبط هستند (کروپیک، گُر، راسیویک، کریزانیک و گراکانین<sup>۷</sup>، ۲۰۱۶). بر اساس پژوهش‌های انجام شده درباره مدل حساسیت به تقویت، بین خودشیفتگی با سیستم فعال‌ساز و تکانشگری رابطه مثبت (استنسون و ورنون<sup>۸</sup>، ۲۰۱۶؛ مالزا و کازماریک<sup>۹</sup>، ۲۰۱۸)، ولی بین اختلال خودشیفتگی با سیستم بازداری رابطه منفی وجود دارد (مولایی، ابوالقاسمی و آقابابایی، ۲۰۱۶). به علاوه، خودشیفتگی بزرگ‌منشانه رابطه مثبتی با سیستم فعال‌ساز و رابطه منفی با سیستم بازداری دارد. اما، خودشیفتگی آسیب‌پذیر رابطه مثبتی با سیستم بازداری دارد (اسپنسر و همکاران، ۲۰۱۷). در مجموع، پژوهش‌ها از رابطه سیستم‌های فعال‌ساز و بازداری با خودشیفتگی حمایت می‌کنند. اما تاکنون نقش تشخیصی این سیستم‌ها به عنوان ملاک‌هایی برای تمیز کاربران خودشیفته و عادی مطالعه نشده است.

سیستم‌های مغزی-رفتاری با هیجانات و سیستم دو عاملی عواطف مثبت<sup>۱۰</sup> و منفی<sup>۱۱</sup> نیز مرتبط است (تاجیک‌زاده، صادقی، مهربابی‌زاده و داودی، ۱۳۹۴؛ استوبر و گُر<sup>۱۲</sup>، ۲۰۱۵).

- 
1. Gray
  2. Spencer, Foster and Bedwell,
  3. behavioral activation system (BAS)
  4. behavioral inhibition system (BIS)
  5. fight- flight -freeze system (FFFS)
  6. Noreen, Geenen, Urbig, Muehlfeld, Van Witteloostuijn and Gargalianou
  7. Krupić, Corr, Ručević, Križanić and Gračanin
  8. Stenason and Vernon
  9. Malesza, Kaczmarek
  10. positive affect
  11. negative affect
  12. Stoeber and Corr

مثبت و منفی نشان دهنده گرایش یا اجتناب هستند و به عنوان فعال‌سازی مثبت<sup>۱</sup> و فعال‌سازی منفی<sup>۲</sup> مفهوم‌سازی می‌شوند (واتسون، ویز، وایدیا و تلگان<sup>۳</sup>، ۱۹۹۹)، که به نظر می‌رسد مؤلفه‌های مهمی در عملکرد شخصیت خودشیفته باشند. در واقع، شواهد پژوهشی نشان می‌دهد که هیجانات منفی و بی‌ثباتی هیجانی تعیین‌کننده خودشیفتگی هستند (میلر و کمبل<sup>۴</sup>، ۲۰۰۸؛ زانگ، وانگ، یو، لو، لیو<sup>۵</sup>، ۲۰۱۵)، و خودشیفتگی نیز با صفات بی‌تفاوتی هیجانی - بی‌عاطفگی<sup>۶</sup> و پرخاشگری رابطه مثبت دارد (باری، مک‌دوگال، اندرسون و بیندون<sup>۷</sup>، ۲۰۱۸). همچنین، در سطح خودشیفتگی آسیب‌شناسانه<sup>۸</sup>، خودشیفتگی نوع بزرگ‌منش با افزایش عاطفه منفی و کاهش بخشودگی<sup>۹</sup> نسبت به خطاهایی رابطه دارد که افراد در معرض دید عموم مرتکب می‌شوند؛ در حالی که خودشیفتگی نوع آسیب‌پذیر<sup>۱۰</sup> با افزایش عاطفه منفی ناشی از تجارب ناخوشایند بین‌فردی خصوصی<sup>۱۱</sup> (یعنی در جریان رابطه دو نفره) رابطه دارد (بیسر و زایلر-هیل<sup>۱۲</sup>، ۲۰۱۰). افزون بر این، خودشیفتگی آشکار<sup>۱۳</sup> با شادی رابطه مثبت (ز<sup>۱۴</sup>، ۲۰۰۲؛ نقل از زانگ و همکاران، ۲۰۱۵)، و با دشواری در نظم‌جویی هیجان‌ها رابطه منفی (زانگ و همکاران، ۲۰۱۵) دارد، اما خودشیفتگی پنهان<sup>۱۵</sup> با واکنش‌های هیجانی منفی (آتلس و تم<sup>۱۶</sup>، ۲۰۰۸) و دشواری در نظم‌جویی هیجان‌ها (زانگ و همکاران، ۲۰۱۵) رابطه مثبتی دارد. بنابراین، عواطف مثبت و منفی با خودشیفتگی مرتبط است و ممکن است نقش تمیزدهندگی نیز داشته باشد.

- 
1. positive activation
  2. negative activation
  3. Watson, Wiese, Vaidya and Tellegen
  4. Miller and Campbell
  5. Zhang, Wang, You, Lü and Luo
  6. callous-unemotional traits
  7. Barry, McDougall, Anderson and Bindon
  8. pathological
  9. forgiveness
  10. vulnerable
  11. private
  12. Besser and Zeigler-Hill
  13. overt narcissism
  14. Rose
  15. covert narcissism
  16. Atlas and Them

به طور کلی، بین سیستم‌های مغزی رفتاری با عواطف و هیجانات (استوبر و گر، ۲۰۱۵) و فعالیت آنلاین بیشتر و محتواهای خود-تبلیغاتی در فضای مجازی (مهدی‌زاده، ۲۰۱۰) رابطه وجود دارد. همچنین، سیستم‌های مغزی رفتاری (استنسون و ورنون، ۲۰۱۶؛ اسپنسر و همکاران، ۲۰۱۷)، و عواطف و هیجانات (زانگ و همکاران، ۲۰۱۵؛ باری و همکاران، ۲۰۱۸) با خودشیفتگی رابطه دارند. اما آنچه که در انجام پژوهش حاضر دارای اهمیت اساسی بود، فراتر رفتن از تعیین روابط صرفاً میان این متغیرها یا پیش‌بینی خودشیفتگی بر اساس سیستم‌های مغزی رفتاری و عواطف، به سمت تعیین ملاک‌های تمیز و گروه‌بندی افراد خودشیفته از افراد عادی (در فضای مجازی) است؛ به گونه‌ای که بتوان نقش تشخیصی سیستم‌های مغزی رفتاری و عواطف مثبت و منفی به عنوان معیارهای تمیز کاربران خودشیفته فضای مجازی را مشخص کرد. در واقع، این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به این مسأله بود که آیا می‌توان سیستم‌های فعال‌ساز و بازداری رفتاری و عواطف مثبت و منفی را به عنوان معیارهای تشخیص و تمیز کاربران خودشیفته از کاربران عادی مورد ملاحظه قرار داد؟ با مروری که در پیشینه پژوهش‌های داخلی و خارجی انجام شد، پژوهشی مشاهده نشد که این موضوع را بررسی کرده باشد و همچنان که در سطور بالا توضیح داده شد، این شکاف پژوهشی برای کمک به تمیز و طبقه‌بندی کاربران خودشیفته فضای مجازی قابل مشاهده است. بر همین اساس، هدف پژوهش حاضر بررسی نقش تشخیصی سیستم‌های مغزی-رفتاری و عواطف مثبت و منفی در تمیز کاربران خودشیفته از کاربران عادی فضای مجازی بود.

## روش

از آنجا که پژوهش بنیادی حاضر، دو گروه خودشیفته و عادی را بر اساس نقش سیستم‌های مغزی-رفتاری و عواطف مثبت و منفی تمیز داده است، دارای طرح تابع تشخیص دو گروهی (جهت تعیین عضویت گروهی) است.

جامعه پژوهش شامل تمام کاربران (۱۸ - ۳۰ سال) حاضر در گروه‌های شبکه‌های اجتماعی فضای مجازی بود که در شهر تهران سکونت داشتند. برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی استفاده شد و ۱۹۵ شرکت‌کننده انتخاب شدند. ملاک‌های ورود و خروج شرکت‌کنندگان به نمونه پژوهش عبارت بود از: ۱. عضویت در گروه‌های فضاها

مجازی در مقطع زمانی زمستان ۱۳۹۴، ۲. فعالیت روزانه حداقل ۱ ساعت در گروه‌های فضاهای مجازی (حداکثر فعالیت ۵ ساعت و میانگین فعالیت حدود ۲/۴۸ ساعت در طول شبانه روز بود)، ۳. سکونت در شهر تهران، ۴. شرکت‌کننده باید در دامنه سنی ۱۸-۳۰ سال قرار داشته باشد، و ۵. از نظر درجه تحصیلی حداقل دارای مدرک دیپلم و حداکثر دارای کارشناسی ارشد باشند. برای انجام دادن طرح تابع تشخیص دو گروهی ضرورت داشت که از بین ۱۹۵ شرکت‌کننده مذکور، اعضای هر یک از دو گروه پژوهش (گروه خودشیفته و گروه عادی) مشخص شوند. به همین دلیل برای محاسبه حجم نمونه مورد نیاز گروه‌های پژوهش از نرم‌افزار جی‌پاور<sup>۱</sup> ( $a=0/05$ ) استفاده شد که حجم کل نمونه، ۶۸ شرکت‌کننده (معادل ۳۴ شرکت‌کننده در هر یک از دو گروه خودشیفته و عادی) برآورد شد.

برای گردآوری داده‌ها، ابتدا یک فایل الکترونیکی تهیه شد که شامل پرسشنامه‌های خودشیفتگی، سیستم‌های مغزی رفتاری و تجربه عواطف مثبت و منفی بود، و با ۲۰ نفر از کاربران گروه‌های شبکه‌های اجتماعی فضای مجازی (در محیط تلگرام<sup>۲</sup>) به عنوان نخستین شرکت‌کنندگان پژوهش ارتباط برقرار شد. سپس، فایل پرسشنامه‌ها در اختیار آن‌ها قرار گرفت تا ضمن دریافت راهنمایی از پژوهشگر، به پرسش‌ها پاسخ دهند. در مرحله بعد، از این افراد خواسته شد تا سایر کاربران واجد ملاک‌های ورود/خروج این پژوهش را که می‌شناسند، معرفی کنند و به همین ترتیب، سایر شرکت‌کننده‌ها وارد فرآیند پژوهش شدند و تعداد کل آن‌ها به ۱۹۵ شرکت‌کننده رسید. در گام بعد، برای اینکه شرکت‌کننده‌های پژوهش (جهت انجام تابع تشخیص) از نظر متغیر وابسته - یعنی خودشیفتگی - به دو گروه خودشیفته و عادی تقسیم شوند، نمره کل خودشیفتگی هر شرکت‌کننده، و سپس نمره استاندارد Z متغیر خودشیفتگی محاسبه شد. در ادامه، ۴۰ نفر از شرکت‌کننده‌ها که در مقیاس خودشیفتگی بالاترین نمره Z را داشتند (یعنی بالاتر از حدود  $+1/17$  انحراف معیار) به عنوان گروه خودشیفته، و ۴۰ نفر از شرکت‌کننده‌ها که کمترین نمره Z را داشتند (یعنی پایین‌تر از حدود  $-1/17$  - انحراف معیار) به عنوان گروه عادی مشخص شدند. سایر شرکت‌کنندگان که نمره Z خودشیفتگی آن‌ها در دامنه  $\pm 1/17$  انحراف استاندارد قرار داشت، از تحلیل خارج شدند. در گام

---

1. G.Power  
2. Telegram

آخر، تحلیل نهایی درباره دو گروه خودشیفته و عادی با استفاده از آزمون تحلیل تشخیص<sup>۱</sup> در محیط نرم افزار Spss-۲۳ انجام شد.

ابزارهای استفاده شده در این پژوهش شامل موارد زیر بود:

**مقیاس سیستم‌های بازداری/فعال‌ساز رفتاری<sup>۲</sup>: مقیاس سیستم‌های بازداری/**

فعال‌ساز رفتاری (کارور و وایت<sup>۳</sup>، ۱۹۹۴) شامل ۲۰ گویه و دو زیرمقیاس است: (۱) بازداری، و (۲) فعال‌ساز (شامل مؤلفه‌های سائق<sup>۴</sup>، پاسخدهی به پاداش<sup>۵</sup>، جستجوی سرگرمی<sup>۶</sup>). گویه‌ها در طیف چهار درجه‌ای (کاملاً موافقم = ۴، کاملاً مخالفم = ۱) نمره‌گذاری می‌شود. برای به‌دست آوردن امتیاز هر بُعد، جمع امتیازات گویه‌های مربوط به آن بُعد محاسبه می‌شود. کارور و وایت (۱۹۹۴)، ثبات درونی زیرمقیاس بازداری را ۰/۷۴ و ثبات درونی زیرمقیاس فعال‌ساز را ۰/۷۱ گزارش کرده‌اند. محمدی (۲۰۰۸) خصوصیات روان‌سنجی نسخه فارسی این مقیاس را مطلوب، و اعتبار بازآزمایی زیرمقیاس‌های فعال‌ساز و بازداری را به ترتیب ۰/۶۸ و ۰/۷۱ گزارش کرد. در پژوهش حاضر مقدار آلفای کرونباخ سیستم‌های فعال‌ساز و بازداری رفتاری به ترتیب ۰/۶۹ و ۰/۶۶ به‌دست آمد.

**مقیاس شخصیت خودشیفته فرم ۱۶ گویه‌ای<sup>۷</sup>: پرسشنامه خودشیفتگی آمر، روز و**

اندرسون<sup>۸</sup> (۲۰۰۶؛ نقل از محمدزاده، ۲۰۱۰) برای سنجش ویژگی‌های خودشیفتگی در گروه‌های غیربالینی است. هر گویه دو گزینه دارد که ردیف الف با امتیاز (۱) و ردیف ب با امتیاز (۰) مشخص می‌شود، و از مجموع ۱۶ گویه حداقل امتیاز ممکن (۰) و حداکثر (۱۶) خواهد بود. امتیاز بالاتر بیان‌کننده خودشیفتگی بالاتر فرد خواهد بود (نقل از محمدزاده، ۲۰۱۰). در مطالعه محمدزاده (۲۰۱۰) بر روی ۳۴۲ دانشجوی، ضریب همبستگی روایی هم‌گرا بین نمره کل پرسشنامه شخصیت خودشیفته با خرده‌مقیاس خودشیفتگی مقیاس شخصیت چندمحوری

1. discriminant analysis
2. behavioral inhibition/ activation systems scales (BIS/BAS scales)
3. Carver and White
4. BAS-DR
5. reward responsiveness (BAS-RR)
6. BAS-FS
7. narcissistic personality inventory (NPI-16)
8. Ames, Rose and Anderson

بالینی میلون - ۲<sup>۱</sup> برابر ۰/۷۷ و معنادار بود. روایی افتراقی این پرسشنامه در تمایز افرادی با برون‌گرایی بالا و توافق‌طلبی پایین (طبق پرسشنامه پنج عامل بزرگ نئو<sup>۲</sup>) تأیید شد ( $P=0/001$ )، و ضریب پایایی بازآزمایی، ضریب تنصیف و ضریب آلفای کرونباخ در سنجش همسانی درونی به ترتیب ۰/۸۴، ۰/۷۴ و ۰/۷۹ محاسبه شد. در پژوهش حاضر نیز میزان آلفای کرونباخ برابر با ۰/۶۷ به دست آمد.

**مقیاس تجربه مثبت و منفی<sup>۳</sup>:** این مقیاس شامل ۱۲ گویه (۶ گویه برای تجربه‌های مثبت و ۶ گویه برای تجربه‌های منفی) است، که در طیف ۵ درجه‌ای (۱=هرگز، ۵=همیشه) نمره‌گذاری می‌شوند (دینر، رایتز، تاو، کیم-پریئو<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۰؛ نقل از گرمی نوری، فراهانی و تراست<sup>۵</sup>، ۲۰۱۳). در بررسی نسخه فارسی و سوئدی این مقیاس توسط گرمی نوری، فراهانی و تراست (۲۰۱۳)، در ابتدا ضریب آلفای کرونباخ برای عواطف مثبت و منفی پایین به دست آمد؛ اما پس از حذف ۴ گویه (شادی، رضایت، خشم و ترس)، ضریب آلفای کرونباخ برای عواطف مثبت ۰/۸۴ (نمونه ایرانی) و ۰/۶۶ (نمونه سوئدی)، و برای عواطف منفی ۰/۸۱ (نمونه ایرانی) و ۰/۸۴ (نمونه سوئدی) به دست آمد. طبق تغییرات اعمال شده در مطالعه گرمی و همکاران (۲۰۱۳) نمره کل مثبت و منفی این مقیاس در دامنه ۴ - ۲۰ قرار دارد. همچنین، نمره تعادل عاطفه با کم کردن نمره عاطفی منفی از عاطفه مثبت حاصل می‌شود و بزرگ‌تر شدن مقدار هر یک از عواطف مثبت یا منفی می‌تواند باعث افزایش عاطفه نامتعادل شود. در مطالعه حاضر میزان آلفای کرونباخ برای عواطف منفی برابر با ۰/۷۷ و برای عواطف مثبت ۰/۷۲/۳ به دست آمد.

## یافته‌ها

در بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها، نتایج آزمون شاپیرو-ویلک رعایت شدن مفروضه نرمال بودن توزیع متغیرها را تأیید کرد.

- 
1. MCMII-II
  2. NEO Big Five Factor
  3. scale of positive and negative experience (SPANE)
  4. Diener, Writz, Tov and Kim-Prieto
  5. Kormi-Nouri, Farahani and Trost



با توجه به جدول ۱، میانگین گروه عادی در عاطفه منفی و عاطفه مثبت بیشتر از گروه خودشیفته است. اما در متغیر تعادل عاطفه، سیستم بازداری و سیستم فعال‌ساز، میانگین گروه خودشیفته بالاتر است. همچنین، با توجه به مقادیر لامبدای ویلکز در جدول ۱ و اعداد معناداری آن، تفاوت میانگین سیستم فعال‌ساز بین دو گروه معنادار است. اما میانگین دو گروه خودشیفته و عادی در متغیرهای دیگر تفاوت معناداری با یکدیگر ندارد.

جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد و نتایج آزمون برابری میانگین‌های عواطف و سیستم‌های مغزی- رفتاری در میان گروه‌ها

متغیر	گروه بندی		آزمون برابری میانگین‌ها		
	خودشیفته		F	I df	2 df
	انحراف استاندارد	میانگین			
عاطفه منفی	۳/۱۵	۱۰/۷۷	۰/۹۸۰	۱	۷۸
عاطفه مثبت	۳/۴۹	۱۲/۵۲	۰/۹۸۶	۱	۷۸
تعادل عاطفه	۵/۸۷	۱/۷۵	۰/۹۹۸	۱	۷۸
سیستم بازداری	۶/۳۱	۱۹/۳۷	۰/۹۸۵	۱	۷۸
سیستم فعال‌ساز	۶/۲۱	۳۸/۳۰	۰/۹۴۷	۱	۷۸

مقدار ویژه در جدول ۲ قدرت تبیین‌کنندگی تابع توسط متغیرها را نشان می‌دهد. علاوه بر این، در تابع تشخیص حاضر میزان واریانس تبیین شده حدوداً ۱۵/۳۶ درصد است که از محاسبه توان دوم همبستگی کانونی در جدول ۲ (یعنی ۰/۳۹۲) به دست می‌آید.

جدول ۲: خلاصه نتایج تابع‌های تشخیصی کانونی بر حسب صفت خودشیفتگی

تابع	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد تجمعی	همبستگی کانونی
۱	۰/۱۸۱	۱۰۰	۱۰۰	۰/۳۹۲

بر اساس نتایج جدول ۳، سیستم فعال‌ساز قوی‌ترین رابطه را با تابع حاضر دارد و متمایزکننده گروه خودشیفته از عادی است. اما ۳ متغیر دیگر در تمیز دو گروه عملکرد ضعیف‌تری داشتند.

جدول ۳: نتایج مربوط به ماتریس ضرایب ساختاری بر حسب صفت خودشیفتگی

متغیر مستقل	سیستم فعال‌ساز	عاطفه منفی	سیستم بازداری	عاطفه مثبت	تعادل عاطفه
تابع	۱	۰/۳۳۷	-۰/۲۹۲	۰/۲۷۸	-۰/۰۳۱

نتایج جدول ۴ نشان‌دهنده این است که این تابع تشخیص توانست ۷۳/۸ درصد همه موارد را به درستی طبقه‌بندی کند. تابع تشخیصی حاضر در پیش‌بینی شرکت‌کننده‌های عادی (۷۷/۵ درصد) در مقایسه با شرکت‌کننده‌های خودشیفته (۶۷/۵ درصد) تا اندازه‌ای بهتر عمل کرد.

جدول ۴: فراوانی و (درصد) نتایج طبقه‌بندی در گروه‌های خودشیفته و غیر خودشیفته

کل	اعضای گروه پیش‌بین شده		گروه‌بندی	
	خودشیفته	غیر خودشیفته		
۴۰	۹ (۲۲/۵)	۳۱ (۷۷/۵)	عادی	طبقه‌بندی اصلی
۴۰	۲۸ (۶۷/۵)	۱۲ (۳۰)	خودشیفته	
۴۰	۹ (۲۲/۵)	۳۱ (۷۷/۵)	عادی	طبقه‌بندی معتبر متقاطع
۴۰	۲۷ (۶۷/۵)	۱۳ (۳۲/۵)	خودشیفته	

## بحث و نتیجه‌گیری

طبق یافته‌ها، مدل پژوهش حاضر در پیش‌بینی شرکت‌کننده‌های عادی در مقایسه با شرکت‌کننده‌های خودشیفته تا اندازه‌ای بهتر عمل کرد. این یافته می‌تواند ناشی از این باشد که به‌رغم تأکید ادبیات پژوهشی مبنی بر ارتباط سیستم‌های مغزی - رفتاری (مولایی و همکاران، ۲۰۱۶؛ اسپنسر و همکاران، ۲۰۱۷)، و عواطف (زانگ و همکاران، ۲۰۱۵؛ و زایلر-هیل، ۲۰۱۰؛ باری و همکاران، ۲۰۱۸) با خودشیفتگی، احتمالاً به دلیل ویژگی‌های تعاملی متفاوتی است که در گروه‌های شبکه‌های اجتماعی مجازی، نسبت به تعاملات حضوری وجود دارد. زیرا افراد خودشیفته در چارچوب تعاملات آزاد و بدون مرز فضای مجازی می‌توانند به گونه‌ای دلخواه‌تر روابطی را آغاز کرده یا پایان دهند و به گونه دلخواه رفتار کنند، چرا که به اندازه تعاملات رو در رو، نگران پیامدهای تعارض در تعاملات فضای مجازی نیستند و شاید به همین دلیل، چگونگی تجربه عواطف و کارکرد سیستم‌های مغزی رفتاری در شکل‌دهی رفتار آن، تا اندازه‌ای الگویی متفاوت از تعاملات رو در رو دارد.

همچنین بر اساس یافته‌های این پژوهش، سیستم فعال‌ساز قوی‌ترین رابطه را با تابع حاضر

دارد و متمایز کننده گروه خودشیفته از عادی است و میانگین سیستم فعال‌ساز در گروه خودشیفته به گونه‌ای معنادار از گروه عادی بالاتر است. این یافته همسو با پژوهش‌های پیشین (مولایی و همکاران، ۲۰۱۶؛ استنسون و ورنون، ۲۰۱۶؛ اسپنسر و همکاران، ۲۰۱۷) است و می‌تواند ناشی از این باشد که سیستم فعال‌ساز با تکانشگری رابطه دارد (کروپیک و همکاران، ۲۰۱۶) و تکانشگری نیز یک عنصر مهم و عامل مرتبط با شخصیت خودشیفته است (مالزا و کازماریک، ۲۰۱۸). به عبارت دیگر، می‌توان نتیجه گرفت که سیستم فعال‌ساز از طریق نقشی که در بروز کارکردهای تکانشی دارد، می‌تواند در بروز برخی مشخصه‌های خودشیفتگی نقش بازی کند، زیرا به نظر می‌رسد افراد خودشیفته برای کسب پاداش (تأیید و تحسین و احساس جذاب و مقتدر بودن) تحت تأثیر فعالیت زیاد سیستم فعال‌ساز به گونه‌ای زودانگیخته و تکانشی عمل کنند که ممکن است به فراخوانی واکنش ناخوشایند از سوی دیگران منجر شود و همین امر موجب شود که برخی از افراد خودشیفته در تعاملات رو در رو احساس طرد یا محرومیت اجتماعی کنند، و برای فرار از چنین تجربیات آسیب‌زایی به روابط ناشناس فضای مجازی ورود پیدا کنند، زیرا در فضای مجازی امکان برقراری تعاملات متعدد و به گونه‌ای دلخواه، میسرتر از تعاملات حضوری است.

همچنین، خودشیفتگی با فعالیت آنلاین بیشتر و برخی محتواهای خود-تبلیغاتی مرتبط است که این امر فرصت خودتبلیغی را به آن‌ها می‌دهد (مهدی‌زاده، ۲۰۱۰؛ مک‌کین و همکاران، ۲۰۱۶؛ ک‌سینان و وازسونی، ۲۰۱۶)، و چون امکان افشای اطلاعات در فضای مجازی نسبت به حالت حضوری متفاوت است (بائیان و مارکوس، ۲۰۱۲). بنابراین، سیستم فعال‌ساز به عنوان عاملی انگیزشی موجب برانگیختن تلاش فرد خودشیفته برای دستیابی به تمایلات خودشیفته-وار در فضای مجازی می‌شود.

طبق یافته‌ها، سیستم بازداری به گونه‌ای معنادار نتوانست تمیزدهنده کاربران خودشیفته از عادی باشد و میانگین دو گروه خودشفته و عادی در این متغیر تفاوت معناداری با هم نداشت. در مورد سیستم بازداری باید اشاره کرد که یافته پژوهش حاضر با برخی از پژوهش‌ها ناهمخوان است که بر رابطه منفی سیستم بازداری با خودشیفتگی (مولایی و همکاران، ۲۰۱۶؛ استنسون و ورنون، ۲۰۱۶) تأیید کرده‌اند. در تبیین این یافته باید اشاره شود که فضای مجازی به‌رغم فرصتی که برای افراد خودشیفته فراهم می‌آورد، اما به علت اینکه یک موقعیت تجربه‌ای

جدید با تعاملاتی ناشناخته و جدید است، که هر روز هم ممکن است تغییر کنند، باعث حساسیت بیشتر سیستم بازداری می‌شود، زیرا محرک‌های جدید یکی از درون‌شدهای سیستم بازداری است که باعث حساسیت و افزایش فعالیت آن می‌شود (کروپیک و همکاران، ۲۰۱۶؛ اسپنسر و همکاران، ۲۰۱۷) و این مورد می‌تواند هم درباره افراد عادی و هم افراد خودشیفته صدق کند و باعث میزان مشابهی از فعالیت سیستم بازداری هر دو گروه در تعاملات فضای مجازی شود. علاوه بر این، اگرچه خودشیفتگی بزرگ‌منشانه رابطه منفی با سیستم بازداری دارد، اما خودشیفتگی آسیب‌پذیر رابطه مثبتی با سیستم بازداری دارد (اسپنسر و همکاران، ۲۰۱۷). بنابراین، این رابطه سیستم بازداری با خودشیفتگی تحت تأثیر نوع خودشیفتگی است و چون در پژوهش حاضر خودشیفتگی به عنوان یک عامل کلی، بررسی شده و شرکت‌کنندگان خودشیفته بزرگ‌منش و آسیب‌پذیر تفکیک نشده‌اند، سیستم بازداری نتوانسته است به شکلی معنادار افراد خودشیفته را از افراد عادی تمیز دهد.

طبق یافته‌های پژوهش حاضر، عواطف مثبت و منفی نیز به صورت معناداری نتوانستند تمیز دهنده کاربران خودشیفته از عادی باشد. البته در ادبیات پژوهشی نیز، ارتباط خودشیفتگی با عاطفه مثبت یا عاطفه منفی همیشه صرفاً در یک جهت (صرفاً مستقیم یا صرفاً معکوس) نبوده است، بلکه گاهی با عواطف و هیجانات مثبت (و یا منفی) رابطه مستقیم و گاهی رابطه معکوس داشته است. در واقع، خودشیفتگی هم با مشخصه‌های هیجانی - عاطفی منفی (بیسر و زایلر - هیل، ۲۰۱۰؛ زانگ و همکاران، ۲۰۱۵؛ باری و همکاران، ۲۰۱۸)، و هم با مشخصه‌های هیجانی - عاطفی مثبت (کمپیل و همکاران، ۲۰۰۲؛ زانگ و همکاران، ۲۰۱۵)، رابطه مثبتی داشته است. پس می‌توان این احتمال را در نظر گرفت که عدم توانایی عاطفه منفی و عاطفه مثبت در تمیز افراد خودشیفته به این علت بوده که عاطفه منفی و عاطفه مثبت عمدتاً روابط متناقضی با خودشیفتگی دارند.

در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که سیستم فعال‌ساز رفتاری عامل انگیزشی بسیار مهمی در برانگیخته شدن رفتارهای خودشیفته‌وار از جمله در تعاملات بین‌فردی و گروهی شبکه‌های اجتماعی فضای مجازی است و سنجش آن می‌تواند به تمیز افراد خودشیفته از افراد عادی در فضای مجازی کمک کند. همچنین، به نظر می‌رسد برای سنجش دقیق‌تر نقش سیستم بازداری و عواطف در بررسی مشخصه‌های خودشیفتگی افراد در فضای مجازی، لازم است افراد

خودشیفته از نظر نوع خودشیفتگی (بزرگ‌منشانه / آسیب‌پذیر) تفکیک شده و نقش سیستم بازداری و عواطف در تمیز افراد عادی از هر یک از این دو گروه خودشیفته بررسی شود. پژوهش حاضر با برخی محدودیت‌ها همراه بود که از جمله این محدودیت‌ها، عدم امکان ارزیابی افراد غیرکاربر فضای مجازی در مقایسه با افراد کاربر بود، زیرا امروزه تقریباً همه جوانان در محدوده سنی مورد نظر این پژوهش، کاربر فضای مجازی هستند و به‌ویژه به دلیل وجود محدودیت زمانی دستیابی به افراد غیرکاربر تا اندازه‌ای با مشکل مواجه بود. محدودیت دیگر تفکیک نشدن دو گروه خودشیفته آسیب‌پذیر و بزرگ‌منش بود که می‌توانست به روشن شدن نتایج کمک کند. بنابراین، پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی با تفکیک کردن کاربران و غیرکاربران خودشیفته آسیب‌پذیر از خودشیفته‌های بزرگ‌منش به بررسی قدرت تبیین سیستم‌های مغزی - رفتاری و عواطف در تمیز این چهار گروه (کاربران خودشیفته آسیب‌پذیر و بزرگ‌منش، غیرکاربران خودشیفته آسیب‌پذیر و بزرگ‌منش) اقدام شود.

### **تشکر و قدردانی**

از تمامی شرکت‌کنندگان و سایر اشخاصی که در انجام پژوهش حاضر با پژوهشگران همکاری کردند، قدردانی می‌شود. لازم به ذکر است که این پژوهش بدون حمایت مالی نهاد خاصی انجام شده است.

## منابع

- تاجیک‌زاده، فخری، صادقی، راضیه، مهربانی زاده هنرمند، مهناز و داوودی، ایران (۱۳۹۴). سیستم مغزی/ رفتاری، کمال‌گرایی و علائم افسردگی در دانشجویان، فصلنامه مطالعات روان‌شناسی، ۱۱(۳): ۱۱۹-۱۴۰.
- عبدی، رضا و نصیری، احد (۱۳۹۵). نقش ابعاد نابهنجار شخصیت در پیش‌بینی ویژگی‌های شخصیت خودشیفته، فصلنامه اندیشه و رفتار در روانشناسی بالینی، ۱۰(۳۷): ۳۷-۴۶.
- محمدزاده، علی (۱۳۸۸). اعتبارسنجی پرسشنامه شخصیت خودشیفته (NPI)، مجله اصول بهداشت روانی، ۴(۱۱): ۲۸۱-۲۷۶.
- محمدی، نوراله (۱۳۸۷). ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس‌های سیستم بازاری و فعال‌سازی رفتار در دانشجویان دانشگاه شیراز، دانشور رفتار (پژوهش‌های آموزش و یادگیری) دانشگاه شاهد، ۱۵(۲۸): ۶۸-۶۱.
- Abdi, R. and Nasiri, A. (2015). The role of abnormal personality dimensions in predicting narcissistic personality traits. *Journal of Thought Behavior in Clinical Psychology*, 9 (37): 27-36. [Text in Persian]
- Atlas, G.D. and Them, M.A. (2008). Narcissism and sensitivity to criticism: a preliminary investigation. *Current Psychology*, 27(1): 62-76.
- Baiyun, C. and Marcus, J. (2012). Students' self-presentation on Facebook: An examination of personality and self-construal factor. *Computers in Human Behavior*, 28(6): 2091-2099.
- Barry, C.T., McDougall, K.H., Anderson, A.C. and Bindon, A.L. (2018). Global and contingent self-esteem as moderators in the relations between adolescent narcissism, callous-unemotional traits, and aggression. *Personality and Individual Differences*, 123(3):1-5. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2017.10.036>
- Besser, A. and Zeigler-Hill, V. (2010). The influence of pathological narcissism on emotional and motivational responses to negative events: The roles of visibility and concern about humiliation. *Journal of Research in Personality*, 44 (4): 520-534.
- Carver, C.S. and White, T.L. (1994). Behavioral inhibition, Behavioral activation, and affective responses to impending reward and punishment: The BIS/BAS scales. *Journal of Personality and Social Psychology*, 67(2): 319-333.
- Kim, D.H. and Jang, S.C. (2018). Online sharing behavior on social networking sites: Examining narcissism and gender effects. *International Journal of Hospitality Management*, 89-93 (1): 68. <https://doi.org/10.1016/j.ijhm.2017.09.015>

- Kormi-Nouri, R., Farahani, M. N. and Trost, K. (2013) The role of positive and negative affect on well-being amongst Swedish and Iranian university students. *The Journal of Positive Psychology*, 8(5): 435-443.
- Krupić, D., Corr, P.H.J., Ručević, S., Križanić, V. and Gračanin, A. (2016). Five reinforcement sensitivity theory (RST) of personality questionnaires: Comparison, validity and generalization. *Personality and Individual Differences*, 97 (7): 19–24. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2016.03.012>
- Ksinan, A.J. and Vazsonyi, A.Y. (2016). Narcissism, Internet, and social relations: A study of two tales. *Personality and Individual Differences*, 94(5): 118-123. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2016.01.016>
- Malesza, M. and Kaczmarek, M.C. (2018). Grandiose narcissism versus vulnerable narcissism and impulsivity. *Personality and Individual Differences*, 126(1): 61-65. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2018.01.021>
- McCain, J.L., Borg, Z.G., Rothenberg, A.H., Churillo, K.M., Weiler, P. and Campbell, W.K. (2016). Personality and selfies: Narcissism and the Dark Triad. *Computers in Human Behavior*, 64(11): 126–133. <https://doi.org/10.1016/j.chb.2016.06.050>
- Mehdizadeh, S. (2010). Self-Presentation 2.0: Narcissism and Self-Esteem on Facebook. *Cyberpsychology, Behavior, and Social Networking*, 13(4): 357-364.
- Miller, J.D. and Campbell, W.K. (2008). Comparing clinical and social-personality conceptualizations of narcissism. *Journal of Personality*, 76(3): 449–476.
- Mohammad Zadeh, A. (2010). Validation of narcissistic personality inventory (NPI-16) in Iranian society. *Fundamentals of Mental Health*, 4 (11): 276-281(Text in Persian).
- Mohammadi, N. (2008). The Psychometric Properties of the Behavioral Inhibition System (BIS) and Behavioral Activation System (BAS) scales Among Students of Shiraz University. *Clinical Psychology and Personality*, 1 (28): 61-68(Text in Persian).
- Mowlaie, M., Abolghasemi, A. and Aghababaei, N. (2016). Pathological narcissism, brain behavioral systems and tendency to substance abuse: The mediating role of self-control. *Personality and Individual Differences*, 88(1): 247–250. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2015.09.019>
- Noreen Y.R., Geenen, N.Y.R., Urbig, D., Muehlfeld, K., Van Witteloostuijn, A. and Gargalianou, V. (2016). BIS and BAS: Biobehaviorally rooted drivers of entrepreneurial intent. *Personality and Individual Differences*, 95(6): 204–213. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2016.02.023>
- Pantic, I., Milanovic, A., Loboda, B., Blachnio, L., Przepiorka, A., Nesic, D., Mazic, S., Dugalic S. and Ristic, S. (2017). Association between physiological oscillations in self-esteem, narcissism and internet addiction: A cross-sectional study. *Psychiatry Research*, 258(12):239-243

<https://doi.org/10.1016/j.psychres.2017.08.044>

- Spencer, C., Foster, J. and Bedwell, J. (2017). Structural Relationships among the Revised Reward Sensitivity Theory and Grandiose and Vulnerable Narcissism. *Biological Psychiatry*, 81(10): 197-203.
- Stenason, L. and Vernon, P.A. (2016). The Dark Triad, reinforcement sensitivity and substance use. *Personality and Individual Differences*, 94 (5): 59-63. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2016.01.010>
- Stoeber, J. and Corr, P.J. (2015). Perfectionism, personality, and affective experiences: New insights from revised Reinforcement Sensitivity Theory. *Personality and Individual Differences*, 86(11): 354-359. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2015.06.045>
- Tajikzadeh, F., Sadeghi, R., Mehrabizade Honarmand, M. and Davoudi, I. (2015). The Brain/ Behavioral Systems, Perfectionism and Depression Symptoms among the University Students. *Quarterly Journal Psychological Studies*, 11(3): 119-140(Text in Persian).
- Watson, D., Wiese, D., Vaidya, J. and Tellegen, A. (1999). The two general activation systems of affect: Structural findings, evolutionary considerations, and psychobiological evidence. *Journal of Personality and Social Psychology*, 76(5): 820-838.
- Zhang, H., Wang, Z., You, X., Lü, W. and Luo, Y. (2015). Associations between narcissism and emotion regulation difficulties: Respiratory sinus arrhythmia reactivity as a moderator. *Biological Psychology*, 110(9): 1-11. <https://doi.org/10.1016/j.biopsycho.2015.06.014>



---

**Narcissistic Users in Virtual Space: The Discriminational Role  
of Brain – Behavioral Systems and Positive and Negative Affect**

---

Mojtaba Dehghan<sup>\*1</sup>, Mahnaz Shahgholian<sup>2</sup> and Mohammad Naghi

Farmahini Farahani<sup>3</sup>

**Abstract**

The aim of this study was to determine the discriminational role of brain – behavioral systems and positive and negative affect in discrimination of narcissistic and normal users in virtual space. The present study had a two-group discriminant function design. The research population was consisted of all users of active social networking in virtual space, aged between 18 to 30 years and living in Tehran. 195 participants selected by snowball sampling method in a telegram program environment. Data was collected with the Positive and Negative Experience scale, Narcissistic Personality scale, and Behavioral Inhibition/ Activation Systems Scale. The results of discriminant analysis showed that the activation system had the strongest relationship with this function, and could distinct narcissistic group from normal. But, the discrimination power of four other variables (including negative affect, inhibition systems, positive affect and affect balance) were weaker. So, in combination with other characteristics of narcissistic individuals, the assessment of activity level of activation system can also be used to discriminate narcissistic individuals from normal.

**Keywords:**

*Affects, brain – behavioral systems, narcissism, virtual space*

---

1. Corresponding Author: Ph.D. Student of Health Psychology, Kharazmi University, Tehran, Iran Mojtaba\_dehqan@yahoo.com

2. Assistant Professor of Psychology, Kharazmi University, Tehran, Iran

3. Professor of Psychology, Kharazmi University, Tehran, Iran

Submit Date: 2016-11-16 Accept Date: 2018-11-09

DOI: 10.22051/psy.2018.12709.1291